بازتاب

پاسخ به «شرق»

این‌جانب فرامرز پارسی کسی که بنای قلعه دختر را مرمت کرده‌ام با توجه به مطالبی که در شرق با عنوان کشمکش بر سر مرمت قلعه ساسانی تهران نوشته شده، خواهشمند است بنا بر قانون مطبوعات توضیح این‌جانب را نیز در این سایت ارائه دهید.

بنای قلعه دختر بالای‌مانده از یک بنای نظامی یا به قول دکتر کریمیان آتشگاه درالبان‌ماه ۱۴۰۰ تشب این‌جانب مورد بازدید قرار گرفت و به دلیل اهمیت آن که بنایی منعقلی به دوره ساسانی بوده و بلندترین قلق تاریخی ایران از سطح دریا بوده و خطر تخریب باقی‌مانده قلق تاریخی را تهدید می‌کرد مورد مطالعات مرمتی قرار گرفت. این مطالعات با مجوز لازم از طرف میراث فرهنگی انجام شد. به‌دلیل بیچیدگی و حجم بالای تخریب توسط بیهاد و دوربین مخصوص فتوگرامتری برد کوتاه انجام شد و نقشه به‌مقیاس ۱۰ تهیه شد. با نمونه‌برداری از ملات‌ها و انجام آزمایش xrf و xrd و براساس مطالعات تاریخی انجام‌شده توسط ماکسیم سیرو و دکتر کریمیان و با حضور سایت‌شناس و توجه به شواهد موجود در بنا و طرح ترسیمی ماکسیم سیرو که مورد تأیید دکتر کریمیان نیز بوده طرح مرمت بنا تهیه و ترسیم شد. این طرح از سوی این‌جانب تصویب طرح در میراث فرهنگی و دادن مجوز از طرف میراث فرهنگی تهران عملیات مرمت استحفاظی به شکل تزریق ملات کج ویژه در داخل دیوارها و طاق‌ها و برگردن کوداال‌های ایجادشده توسط جویندگان گنج با سنگ و ملات کج ویژه وائیروواق با مقاومت فشاری حدود ۱۵ مگا پاسکال انجام شد. کلیه مصالح و آب مورد نیاز توسط قاطر از پای کوه در مسیری نزدیک به دو ساعت کوهپیمایی به قله حمل شد و توسط نیروهای داوطلب این مرمت به انجام رسید. این مرحله از مرمت تا پایان مهرماه سال ۱۴۰۱ به پایان رسید. در سال ۱۴۰۲ عملیات مرمت تکمیلی براساس طرح‌های مصوب آغاز و با تکمیل دیوارها و تهیه قالب‌های طاق‌ها نیز اجرا شدند هرچاکه شواهد کافی نبود. آن قسمت با جوب اجرا شد تا هم بازگشت‌پذیری مداخله امکان‌پذیر باشد و هم برای مخاطب قابل درک باشد. در سال ۱۴۰۳ عملیات تکمیل نمای بنا براساس شواهد موجود در دیوار جنوبی انجام شد. خوشبختانه بخشی از نمای تاریخی هنوز در دیوار جنوبی قابل مشاهده بود و مرمت به پایان رسید.

اهمیت این مرمت به مشارکت جامعه محلی و کوهنوردان و معماران و مرمت‌گران بود. هزینه مرمت که تماما توسط بنده صرفا با سهم شما مبلغ ۵ سه میلیارد تومان بود و مشارکت جامعه محلی تضمینی است برای حفاظت از این بنا.

این‌جانب در طول سه دوره مرمتی بنا تقریبا تمام دو روز آخر هفته‌ها به علاوه اینکه در موارد مهم یک هفته کامل در بنا مستقر بوده‌ام و در سایر موارد به‌صورت نوبتی یکی از مرمت‌کاران دفتر در بنا حضور داشتند. و نیروی کارگری صرفا برای سنگ شکستن و ساختن ملات مورد استفاده قرار می‌گرفت. این مسئله برخلاف گفته آقای منوچهر آهاری است و صحت آن را می‌توان از هیئت کوهنوردی آهار جویا شد.

در این مدت سه سال بخش مهمی از بزرگان جامعه و از این فعالیت باخبر بودند و همواره این‌جانب را تشویق می‌کردند.

یادداشت

سراب مذاکره با ترامپ(۲)

ادامه از صفحه اول

ریشه اصلی این تحریم‌ها، سطح بالای غنی‌سازی اورانیوم در ایران است که از سه درصد درج‌شده در برجام، ابتدا به ۲۰ و سپس به ۶۰ درصد رسید. برخی از چهره‌ها نیز در کشور از خروج از این‌نی‌ئی و تغییر دکترین اتمی کشور سخن می‌گویند. فارغ از آنکه آیا اساسا و از نظر فنی و تجهیزاتی، کشور مورد تحریم و مراقبت شدیدی هستند یا خیر، امکان تولید بمب اتم در کوتاه‌مدت بیش از چند ماه را دارد یا نه؟ این پرسش مطرح است که آیا پرداخت چنین هزینه سنگینی در بروز مشکلات اقتصادی و مختل‌شدن توسعه کشور به مصلحت است؟ هنگامی که ما نا به فنای رهبر انقلاب، اراده‌ای برای حرکت به سوی ساخت بمب اتم نداریم، چرا با نیذیرفتن پروتکل الحاقی و همکاری‌های داوطلبانه با آژانس فرصت ایران‌هراسی را به دشمنان و رقبای‌ما می‌دهیم. نیاز اورانیوم برای بعضی از فعالیت‌ها که ۲۰ درصد را می‌طلبد یا برای زیردریایی یا سوخت اتمی هم می‌تواند در مذاکرات با آژانس در حد لازم و زیر نظر آژانس تامین شود.

دوم، تحریم‌های تروریستی: از دهه ۶۰، دولت آمریکا به بهانه ارتباطات و حمایت از گروه‌های مقاومت لبنانی و فلسطینی، تحریم‌هایی علیه ایران وضع کرد که به‌تدریج این تحریم‌ها با فعالیت نیروی قدس و تقویت گروه‌های مقاومت تشدید شد و درحال‌حاضر به اوج رسیده است. اما در جریان حوادث اخیر، بخشی از نیروهای مقاومت مرتبط با ایران آسیب دیدند و بخشی نیز در حال تغییر استراتژی هستند. وقایع پس از هفتم اکتبر، آتش‌بس لبنان، تغییر رژیم در سوریه و آتش‌بس غزه برخی از این گروه‌ها را نیز به تجدید نظر در مسیر خود سوق دهد؛ بنابراین مناسب است ایران نیز با بررسی هزینه و نتیجه، موضوع را مورد بررسی و تأمل جدی قرار دهد. تا بتواند با حل مشکلات اقتصادی کشور دوباره در شرایط سیاست‌ورزی جدی برای محور مقاومت قرار گیرد. و ایران را نیز سازد.

سوم، تحریم‌های موشکی: انجام عملیات وعده صادق یک و دو، موجب شد تا نکاهدا به ایران به بلند دارا بودن موشک‌های بالستیک با برد بیش از هزاروا ۵۰۰ کیلومتر بیشتر جلب شود. در این شرایط نیز به نظر می‌رسد دکترین موشکی و دفاعی کشور باید مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار گیرد؛ به‌ویژه آنکه برخی چهره‌ها از صورت ارتقای برد موشک‌های بالستیک ایران از حیطه دو هزار کیلومتر به چند هزار کیلومتر و بین‌قاره‌ای سخن می‌گویند. طبیعی است که فلسفه حفظ دفاعی و موشکی کشور جلوگیری از حمله و تجاوز دیگر کشورها به ایران است، نه تحریک و فراهم‌کردن فرصت برای ایران‌هراسی.

چهارم، تحریم‌های حقوق‌بشری: این تحریم‌ها که عمدتا پس از حوادث سال ۱۳۸۸ آغاز و در سال‌های اخیر تشدید شده است، با ایجاد فضای آرامش در کشور، قابل خنثی‌سازی است. دولت جدید با شعار وفاق و واکاهش تنش‌های داخلی و حل محدودیت‌هایی نظیر فیلترینگ به موفقیت‌هایی در اعتمادسازی با مردم رسید و نظام نیز نیازمند افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و بازآفرینی اعتبار رسانه‌های داخلی است؛ بنابراین می‌توان با ایجاد اجماع در میان تصمیم‌سازان کشور، فضایی فراهم کرد که انتخابات آینده، با رونق و مشارکت حداکثری همراه شود. زندانیان سیاسی با رافت و سعه صدر نظام آزاد شوند. فضای خواستاری و واکاهش مخاطب و مرجعیت رسانه‌های داخلی تغییر کند و بر یک کلام، وحدت و همراهی جایگزین فضای دوقطبی شود. اگر این اتفاقات رخ دهد، طبیعتا زمینه‌ای برای تداوم تحریم‌های حقوق‌بشری نظام وجود نخواهد داشت.

در مجموع می‌توان گفت هر تلاشی در راستای کاهش سرمایه اجتماعی نظام و افزایش قشارها بر ایران، بازی در زمین دشمنان کشور است و هر قدمی در راستای اصلاح امور، افزایش کارآمدی و رفع تحریم‌ها و موانع، خدمت به انقلاب است. بنابراین می‌توان برنامه‌ای منسجم، واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه برای حفظ و تقویت انقلاب در دوران پیش‌رو ارائه داد. به شرط آنکه دچار افراط و تفریط نشویم.

گزارشی از وضعیت بغرنج خوابگاه‌های دانشجویی

خانه روی آب دانشجوها

مریم مختاریان؛ وقتی که از سد کنکور گذر کردند، با کوله‌باری از آرزو و امید از خانواده، دوستان و دیارشان گذشته تا به تهران بیایند و با تحصیل در دانشگاه‌های این شهر رؤیاهای‌شان را به واقعیت برسانند. اما حالا در پشت سد خوابگاه‌ها در پی برآوردنددن سادةترین نیازهای‌شان هستند. غذا، مشکلات بهداشتی، فرسودگی سازه‌ها، امکانات و ددها مورد دیگر باعث شده به قول بعضی از این دانشجویان هر روز از برگشت به خوابگاه فراری باشند. در بعضی موارد خطرانی در خوابگاه سلامتی و جان دانشجویان را به خطر انداخته‌اند. یکی از آنها می‌گوید «نه خانواده‌مان شرایط زندگی ما را می‌بیند، نه مسئولان درکمان می‌کنند. هیچ‌کس ما را نمی‌فهمد. یک دانشجو می‌گوید قبل از همه چیز هیچ‌کدام از دانشجویان نمی‌دانند جداشدن از خانواده و آمدن به شهری دیگر چه حسی دارد و حال همه مدنی به اسد و آموزشی برای روبه‌روشدن با این وضعیت نیست. دانشجویانی از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، الزهرا و علم و صنعت در گفت‌وگو با «شرق» از مشکلات خوابگاه‌هایی می‌گویند که فرار بود سرپناه و محل آرامش‌شان باشد.

ساس؛ میهمانی که به همه خوابگاه‌ها می‌رود

بیشتر دانشجویان از خوابگاه‌های مختلف یکی از اصلی‌ترین نکات منفی این روزهای خوابگاه را نظافت می‌دانند. رسیدگی‌نکردن به مسائل بهداشتی به‌ویژه در قسمت‌های عمومی و مشترک مانند سرویس‌های بهداشتی و آشپزخانه سلامت دانشجویان را به خطر می‌اندازد. وجود حشرات موذی مانند ساس هم یکی از مشکلاتی است که اغلب خوابگاه‌های دانشجویی حداقل یک بار آن را تجربه کرده‌اند.

یکی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: من خوابگاه گلعذاری هستم و هر چیزی که می‌گویم، مربوط به این خوابگاه است. نه خوابگاه‌های دیگر دانشگاه. مهم‌ترین چیزی که اینجا باید درباره‌اش از صحبت کرد، نظافت است. در تابستان بخشی از خوابگاه را به کارگران اجاره می‌دهند؛ این را که کارگران چه بخشی هستند، نمی‌دانم و مشکلی که وجود دارد، این است که برای مهمانه اتاق‌ها را تمیز نمی‌کنند. سال قبل مشکل دیگری وجود داشت و این بود که تقریبا در بیشتر اتاق‌ها ساس وجود داشت و تا پایان سال هم بالی ماند و فرش و تخت‌ها همگی کثیف رفتند، امسال چون از تابستان مدام این قضیه را پیگیری کردیم، دیدیم که حداقل فرش‌ها شسته شده‌اند (که قبلا این اتفاق نیفتاده بود) و تشک‌های نویی تداری دیدند. اما این اتفاق به خاطر پیگیری مداوم بود. نه صلاحدید خوابگاه. وضعیت آشپزخانه هم همین‌طور است؛ اگرچه نظافت روزانه انجام می‌شود. اما تعریف آن‌چنانی ندارد. به طور کلی می‌توانم بگویم نظافت یکی از مهم‌ترین مسئله‌های خوابگاه است که اگر پیگیری مداوم نباشد، خیلی راحت بحث پشتِ گوش انداخته می‌شود.

یکی دیگر از دانشجویان همین دانشگاه می‌گوید: مسئولیت تمیزکاری سوئیت‌ها که شامل آشپزخانه و سرویس‌های مشترک بین سه اتاق شش‌تایی هشت نفره است، برعهده خود دانشجوهاست و به‌همین‌دلیل اغلب به طور مناظم تمیز نمی‌شوند و همین مسئله احتمال بروز مشکلات بهداشتی و انواع بیماری‌ها را افزایش می‌دهد. نیروهای خدماتی برای تمیزکاری سرویس‌ها از دانشجو پول دریافت می‌کنند و البته آن‌هم سر موقع انجام نمی‌شود.

یکی از دانشجویان الزهرا هم درباره نظافت و بهداشت خوابگاه گفت: از لحاظ بهداشتی هم در روزهای تعطیل آخر هفته و تعطیلات رسمی نظافت انجام نمی‌شود. در روزهای عادی هم صرفا با جمع زیادی آب آشپزخانه و سرویس بهداشتی و حمام بدون استفاده از شوینده یا جرم‌گیر شسته می‌شود. همچنین ورود بی‌رویه گربه به محل زندگی دانشجویان به دلیل درست‌نبودن درهای ورود و خروج و حجم زیاد زباله‌هایی که در روزهای تعطیل تلنبار می‌شوند.

دیگر دانشجوی دانشگاه الزهرا هم این موضوع را تصدیق کرد و از بی‌توجهی به برکردن مخازن مایع دستشویی گفت.

دانشجویی از دانشگاه علم و صنعت درباره چند هفته پیش گفت که در یکی از بلوک‌های خوابگاه دختران ساس شیوع پیدا کرده بود؛ مشکلی که وجود داشت، پنهان‌کاری مسئولان خوابگاه بود، ما تنا صدمت‌های حتی از اینکه لباس‌های‌مان را در لباسشویی بیندازیم، می‌ترسیدیم. راهروی یک‌سری بلوک‌ها را بدون اینکه به ما خبر بدهند، سم‌پاشی کردند و اگر ما خودمان متوجه نمی‌شدیم، ممکن بود از طریق طرف‌های‌مان که در آشپزخانه بود، مسموم بشویم و به علت اطلاع کشید تا اطلاع بدهند. در نهایت به ما گفتند کارشناس‌ها تأیید نکردند ساس بوده، ولی برای محکم‌کاری سم‌پاشی کردند. ما اطلاعات زیادی از اتاقی که اول ساس گرفته، نداریم. مثل اینکه جاروبرقی برای چند هفته دست‌شان مانده و وسایل‌شان وکیوم شده بود. وقتی بچه‌ها درباره این مسئله از سرپرستی پرسیدند، چیزی نگفتند تا از طریق خود دانشجوها کم‌کم منتقل شد. چند هفته بعد تازه علنی کردند و راجع به ساس اطلاعیه پخش کردند.

ما از حرف‌های سرپرستی شنیدیم که مثل اینکه بچه‌های اولین اتاق علائم گزیدگی داشتند.

دیگر دانشجوی این دانشگاه هم درباره شیوع ساس گفت: به افراد داخل اتاقی که ساس در آن پیدا شده، سم داده بودند که البته از بین رفتن ساس شرایطی دارد که تنها سم آن را بین نمی‌برد. اما مسئولان روی موضوع سرویش گذاشته بودند و می‌گفتند خیر خصوصی بچه‌هاست و ما نمی‌توانیم تصمیم بگیریم که این خیر خصوصی در شرایط دیگر معنایی برای‌شان ندارد. این موضوع تا جایی که بچه‌ها متوجه شدند و ساس را دیدند، طول کشید و به‌اصطلاح رسانه‌ای شد. آن وقت راجع‌ها و اتاق‌ها را سم‌پاشی کردند و کارشناس آوردند و از بچه‌ها درباره آن سؤال پرسیدند. این موضوع کمی نیست و می‌تواند آسیب‌های زیادی بزند که با سهل‌انگارانه‌ترین حالت می‌خواستند آن را حل کنند. استرس زیادی به همه وارد شد، به‌ویژه آنکه در روزهای امتحانات بود و بیشتر از همه دانشجوهای کارشناسی ترم اول نگران شده بودند و حال بدی داشتند. دانشجویی از دانشگاه تهران هم می‌گوید ساس کل گذشته شایعه وجود ساس در یکی از بلوک‌های خوابگاه در بین دانشجویان پیچیده بود.

منظر هر چسم غیرخوراکی در غذا هستیم

کیفیت غذای دانشگاه‌ها سال‌های زیادی است که موضوع اعتراض جمعیت زیادی از دانشجویان است. مسمومیت غذایی از دانشگاه‌ها است که کیفیت پایین غذا به همراه دارد و خوابگاه هم مستثنا از این قضیه نیست.

دانشگاه تهران مدتی است که از لحاظ غذا هم در سلف و چه در خوابگاه با نارضایتی روبه‌روست. دانشجویی که در خوابگاه سکونت دارد، درباره غذای این دانشگاه گفت: به نظر من غذای سلف دانشگاه از غذای خوابگاه بهتر است و من شاید یک سال باشد که غذایی در خوابگاه نگرفته‌ام. خیلی‌های دیگر هم ترجیح می‌دهند خودشان غذا درست کنند.

دانشجویی از خوابگاه گلعذاری می‌گوید: کیفیت غذا تعریف آن‌چنانی ندارد، هرچند در مقایسه با سال پیش بهتر شده، اما همچنان چیز درخورتوجهی نیست (به‌عنوان مثال در مواقعی از سال کباب یا جوجه تنها چهار تکه بود!). عموما بچه‌ها غذاهای آماده‌ای که وجود دارد، مثل تن ماهی یا شنیسل و الویه را بهترین غذاها می‌دانند. گاهی هم شده که غذا به قدری بد بوده که برای تعداد زیادی از بچه‌ها باعث مشکلات گوارشی شده. در کل نیاز به نظارت بیشتر و بهتری هست.

دانشجویی دیگر هم درباره غذای این دانشگاه در خوابگاه می‌گوید کیفیت وعده‌ها متغیر است؛ گاهی خوب و گاهی هم بد هستند.

فاطمه که از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ‌التحصیل شده، درباره غذای خوابگاهش گفت به قدری بد بوده که آن را نمی‌خورده.

درباره غذا، دانشجوی دیگر از همین دانشگاه می‌گوید: درباره غذا دو مسئله کیفیت و قیمت تمام‌شده وجود دارد. ظرف حدود سه یا چهار سال به‌شدت افزایش قیمت داشته و بعضی دانشجویان ورودی سال ۱۴۰۰ می‌گوید در سال ۱۴۰۱ غذای سه‌هزارتومانی می‌گرفته و حالا ۲ هزار تومان، ۱۵ هزار تومان و تا ۲۰ هزار تومان هم می‌رود. این هزینه کمی نیست برای دانشجویی که در خوابگاه است. او باید صبحانه را هم تهیه کند و در روزهای جمعه غذایش باید غذا درست کند. این افزایش قیمت ظرف مدت کوتاهی به این مرحله رسیده. اگر شما در سنوات اوافقی هم باشید، باید دو برابر این قیمت را چه در سلف دانشگاه و چه در خوابگاه پرداخت کنید. از نظر کیفیت هم همگی تایید می‌کنند که پایین آمده و چیزی که دانشجوها تعریف می‌کنند، قرارداد بستن پیمانکارهای خوابگاه با برندهایی است که شناخته‌شده نیستند. حتم غذاها هم آن‌قدر زیاد نیست و سبد نانی کنار غذا می‌گذارند که می‌توانند از آن استفاده کنند.

دانشجوی دیگری از الزهرا هم درباره حجم غذا می‌گوید چون باب شده دخترها کم غذا می‌خورند. حتم غذا را به قدری کم گرده‌اند که اغلب سیر نمی‌شوند. همچنین سلف جدا در خوابگاه نیست و برای دریافت غذا باید به رستوران مرکزی دانشگاه بروند. دانشجویی هم گفت باید هر روز منظر پیشدامن جسمی غیرخوراکی و پخش‌شدن عکس آن باشیم.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت هم از کیفیت غذا چه از لحاظ نحوه پخت و چه از لحاظ مواد استفاده‌شده ناراضی‌اند و به نظر تعدادی از آنها کیفیت سلف دانشگاه از سلف خوابگاه بهتر است.

حریم شخصی معنای خود را از دست داده

موضوعی که اغلب دانشجویان از هر دانشگاهی از آن گله‌مند هستند، تراکم جمعیت و کوچک‌بودن اتاق‌هاست.

دانشجویی از دانشگاه تهران می‌گوید: بزرگ‌ترین مشکل خوابگاه ما شلوغ‌بودن آن است. در اتاقی که واقعا برای دو نفر مناسب است، شش نفر در آن زندگی می‌کنیم. ارتباط‌گرفتن و زندگی‌کردن با پنج نفر دیگر هم از نظر جایی که داریم و هم از نظر بهداشتی سخت است.

دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی هم می‌گوید: از مهم‌ترین مشکلاتی که می‌توانم به آن اشاره کنم، کمبود جا و کوچک‌بودن اتاق‌هاست. اتاق‌ها و سوئیت‌های خوابگاه بیشتر از ظرفیتی که باید، دانشجو دارند و همین مسئله موجب بروز مشکلات متعدد دیگری بین دانشجوها می‌شود. به‌عنوان مثال اتاق‌هایی که مشخصا برای دو دانشجو طراحی شده‌اند، چهارتخته هستند و هیچ فضایی برای نشستن، مطالعه و... باقی نمی‌ماند. دانشجوی دیگری هم می‌گوید در خوابگاهی که در سعادت‌آباد هست، وضعیت به‌شدت بد بود. هر اتاق شامل یک چاه اتاق و آشپزخانه بود و کسی که در هال زندگی می‌کرد، اصلا حریم شخصی نداشت. البته در این خوابگاه امکاناتی بود که در دیگر خوابگاه‌های دانشگاه نداشتیم. درباره دانشجویان سنوات اوفلقی هم یک دانشجو می‌گوید: باید به وضعیت بچه‌های سنواتی و ترم ۹ به بالا (برای کارشناسی) اشاره کرد که هزینه غذا برای اتاقی چند نفره برابر هر سال دریافت خوابگاه نیز دیزتر از بقیه، یعنی تقریبا یک ماه پس از آغاز فصل درسی، فراهم می‌شود. که این یعنی دری یک ماه اول هیچ اتاقی به این افراد داده نمی‌شود. این موردی است که هرساله گزارش می‌شود.

نبود فضای شخصی در خوابگاه‌های این دانشگاه تا حد بزرگ پرده دوخت برای استراحت و مطالعه دانشجوها نیز کفیه دیگر دانشجوی علامه طباطبایی است.

دانشجوی دانشگاه الزهرا هم از حضور دانشجویان بومی در خوابگاه به قیمت هر شب ۸۰ هزار تومان و دانشجویان شبانه هر شب ۱۲۰ هزار تومان می‌گوید؛ درحالی‌که دانشجویان سنواتی را از خوابگاه بیرون می‌کنند و همچنان هم تخت خالی در خوابگاه هست.

دانشگاه علم و صنعت هم با این مشکل روبه‌روست و یکی از دانشجویان می‌گوید: دانشگاه برای اسکان‌دادن به دانشجوهای شبانه، ظرفیت اتاق‌ها را افزایش داده؛ درصورتی‌که در دفترچه انتخاب رشته ذکر شده خوابگاه به آنها تعلق نمی‌گیرد. تا جایی که ما می‌دانیم، هزینه دانشجوهای شبانه به صندوق رفاه نمی‌رود، بلکه برای خود دانشگاه است. دانشگاه تحت عنوان اسکان حداکثری به دانشجوهای شبانه، میهمان و حتی پردیس جا می‌دهد. این از کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده است. این تالاب در گذشته، زیستگاه انواع پرندگان مهاجر و ماهیان اقتصادی بوده و از نظر زیست‌محیطی اهمیت فراوانی داشته است. اما طی سال‌های اخیر، عوامل مختلفی از جمله ورود پساب‌های صنعتی و خانگی، رسوب‌گذاری شدید رشد بی‌رویه کیاهان مهاجم مانند سنبل آبی موجب شده این تالاب در معرض نابودی قرار گیرد.

مهمترین مشکلات تالاب انزلی

ورود فاضلاب‌های شهری، صنعتی و کشاورزی که موجب کاهش کیفیت آب و مرگ‌ومیر آبزیان شده است.

افزایش میزان رسوبات روده‌خانه‌ها منتهی به تالاب که باعث کاهش عمق آب شده و غیاز، کاهش سطح کشاورزی و مهاجرت گسترده جوامع محلی شده است.

رشد بی‌رویه سنبل آبی که موجب کاهش سطح اکسیژن آب و تخریب زیستگاه طبیعی بسیاری از گونه‌ها شده است.

۲. دریاچه ارومیه (آذربایجان غربی و شرقی)؛ بحران دریاچه‌ای که رو به نابودی است

دریاچه ارومیه یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های شور جهان و یکی از مهم‌ترین اکوسیستم‌های آبی ایران است. این دریاچه در گذشته زیستگاه فلامینگوها، پلیکان‌ها و سایر پرندگان مهاجر بوده و از نظر اقتصادی و گردشگری نیز اهمیت بسیاری داشته است. اما در چند دهه اخیر، بیش از ۸۰ درصد از مساحت خود را از دست داده و اکنون بخش قابل‌توجهی از آن به نمک‌زارهای خشک‌شده تبدیل شده است.

دلیل اصلی بحران دریاچه ارومیه

احداث سدهای متعدد روی رودخانه‌های تغذیه‌کننده دریاچه که میزان ورودی آب را کاهش داده است.

برداشت بی‌رویه از منابع آبی حوضه آبریز دریاچه برای مصارف کشاورزی که باعث افت شدید سطح آب شده است.

کاهش بارندگی و تغییرات اقلیمی که منجر به افزایش میزان تبخیر و کاهش تغذیه طبیعی دریاچه شده است.

افزایش شوری آب که کیاه‌خواران و پرندگان وابسته به این اکوسیستم را با خطر جدی مواجه کرده است.

۳. تالاب شادگان (خوزستان)؛ به‌سوی بحران زیست‌محیطی

تالاب شادگان یکی از مهم‌ترین تالاب‌های ایران است که نقش مهمی در معیشت جوامع محلی، ذخیره آب و زیستگاه پرندگان مهاجر ایفا می‌کند. اما در سال‌های اخیر، این تالاب به دلایلی همچون کاهش ورودی آب، ورود فاضلاب‌های صنعتی و شهری، پساب‌های نفتی و تخریب زیستگاه‌های طبیعی، دچار بحران شده است.

عکس: پایگاه خبری گلگرد ایران

جهتی خلیج است و ما از امکانات برابر استفاده می‌کنیم. دانشجوی روزانه تا دادن تعهد از خوابگاه و امکاناتش استفاده می‌کند. اما دانشجوی پردیس صرفا با پرداخت پول از همان امکانات استفاده می‌کند. اتاق دانشجوی ترم اول که باید بیاید بسته و با روی زمین آن بنشینند. اتوبوس‌های قدیمی هم بین آنها وجود دارد. اخیرا در دوره امتحانات اتوبوس‌هایی در ساعت‌های جدید برای تسهیل رفت‌وآمد و استفاده از کتابخانه دانشگاه گذاشته شده که دانشجویان از بابت آن اظهار خوشحالی کردند.

دانشگاه تهران هم با وجود اینکه یکی از دانشگاه‌های برتر ایران است، با مشکلاتی روبه‌روست؛ ازجمله قدیمی‌بودن تعدادی از خوابگاه‌ها و فرسودگی امکانات که به بهانه نبودن بودجه نوسازی آنها مدام به تعویق می‌افتد. دانشجویی از مشکل لوله فاضلاب در یکی از ساختمان‌های خوابگاهی می‌گوید که مدتی قبل به خاطر آن آب یکی از ساختمان‌ها قطع شد و در ساختمان دیگری بوی به‌شدت نامطبوعی حس می‌شد؛ تا حدی که شبانه حدود ساعت ۱۲ آن را تعمیر کردند.

دانشجویی که در خوابگاه دانشگاه الزهرا سکونت دارد نیز به تعدادی از این مشکلات اشاره می‌کند: ما داخل خوابگاه استخر داریم که آن را از خوابگاه جدا کرده و اجاره داده‌اند. البته دانشجوها با ۳۰ هزار تومان به ازای هر ساس می‌توانند از آن استفاده کنند، اما در ساعات و روزهای مشخص. مثلا روزهای فرد از ساعت پنج تا هشت شب. فضای زیبایی به اسم «باغ نو» در خوابگاه داریم که بنا بر دلایل نامعلومی، نصف آن حمام‌کشی شده و اجازه استفاده از آن به دانشجویان داده نمی‌شود. دو سالن ورزشی هم داریم که یکی خالی از وسیله است و آن یکی وسایل کم و قدیمی دارد که کفاف دانشجویان را نمی‌دهد. سال‌های مطالعه هم به‌جز در ایام امتحانات ۲۴ساعته نیستند.

توهین، تحقیر و پرخاش حتی برای یک دقیقه

در صحبت با دانشجویان پسر، آنها همواره شاطر خوابگاه دختران را به دلیل رفتارهای نامناسب سرپرستان نسبت به ساعات رفت‌وآمد و پوشش سخت‌تر از خود می‌دیدند. دخترهای دانشجو نیز از تبعیضی آشکار بین خود و پسرها ناراضی بودند.

یکی از دانشجویان توضیح می‌دهد: در هر طبقه کپسول آتش‌نشانی وجود دارد؛ البته در این چندسالی که من اینجا هستم، تندیم ماموری برای بازرسی کپسول‌ها بیاید. اگر هم آمده من تا به حال ندیده‌ام. دیوارهای اتاق‌ها هم نیاز به ترمیم دارند و بعضی داری ترک‌خوردگی و کجی هستند. در حدی که با تکیه‌دادن راحت لباس کجی می‌شود و این قضیه گرچه کفته شده اما مورد بررسی قرار نگرفته است. مسئله دیگر در مورد امکانات رفاهی خوابگاه مانند سالن مطالعه، یوفه و باشگاه است که همگی اول ترم تحصیلی مشکل داشتند و وجود نداشتند، اما با پیگیری مداوم شورای صنفی ایجاد شدند. درخصوص سیستم گرمایشی هم شوفاژها گرچه روشن هستند، اما گرمای آن‌چنانی ندارند و بیشتر به سرویس نیاز دارند که گاهی انجام می‌شود و گاهی نه. نبود فضای چندان برای فعالیت صنفی، محدودیت‌های چندگانه، وجود یک اتاق مطالعه کوچک و کم‌امکانات در حیاط و نه داخل خود ساختمان هم از دیگر مشکلات خوابگاه هستند.

از آنجا که دانشگاه علامه طباطبایی بیش از یک خوابگاه در مناطق مختلف شهر دارد، برای بررسی مرکزی و ساختمان‌های دیگر دانشگاه سرویس‌هایی تعبیه شده‌اند. به گفته دانشجویان اتوبوس‌ها به اندازه کافی جا ندارند و گاهی باید بایستند یا روی زمین آن بنشینند. اتوبوس‌های قدیمی هم بین آنها وجود دارد. اخیرا در دوره امتحانات اتوبوس‌هایی در ساعت‌های جدید برای تسهیل رفت‌وآمد و استفاده از کتابخانه دانشگاه گذاشته شده که دانشجویان از بابت آن اظهار خوشحالی کردند.

دانشگاه تهران هم با وجود اینکه یکی از دانشگاه‌های برتر ایران است، با مشکلاتی روبه‌روست؛ ازجمله قدیمی‌بودن تعدادی از خوابگاه‌ها و فرسودگی امکانات که به بهانه نبودن بودجه نوسازی آنها مدام به تعویق می‌افتد. دانشجویی از مشکل لوله فاضلاب در یکی از ساختمان‌های خوابگاهی می‌گوید که مدتی قبل به خاطر آن آب یکی از ساختمان‌ها قطع شد و در ساختمان دیگری بوی به‌شدت نامطبوعی حس می‌شد؛ تا حدی که شبانه حدود ساعت ۱۲ آن را تعمیر کردند.

دانشجویی که در خوابگاه دانشگاه الزهرا سکونت دارد نیز به تعدادی از این مشکلات اشاره می‌کند: ما داخل خوابگاه استخر داریم که آن را از خوابگاه جدا کرده و اجاره داده‌اند. البته دانشجوها با ۳۰ هزار تومان به ازای هر ساس می‌توانند از آن استفاده کنند، اما در ساعات و روزهای مشخص. مثلا روزهای فرد از ساعت پنج تا هشت شب. فضای زیبایی به اسم «باغ نو» در خوابگاه داریم که بنا بر دلایل نامعلومی، نصف آن حمام‌کشی شده و اجازه استفاده از آن به دانشجویان داده نمی‌شود. دو سالن ورزشی هم داریم که یکی خالی از وسیله است و آن یکی وسایل کم و قدیمی دارد که کفاف دانشجویان را نمی‌دهد. سال‌های مطالعه هم به‌جز در ایام امتحانات ۲۴ساعته نیستند.

توهین، تحقیر و پرخاش حتی برای یک دقیقه

در صحبت با دانشجویان پسر، آنها همواره شاطر خوابگاه دختران را به دلیل رفتارهای نامناسب سرپرستان نسبت به ساعات رفت‌وآمد و پوشش سخت‌تر از خود می‌دیدند. دخترهای دانشجو نیز از تبعیضی آشکار بین خود و پسرها ناراضی بودند.

یکی از فارغ‌التحصیلان دختر دانشگاه علامه طباطبایی درباره رفتاری که نسبت به آنها می‌شده، گفت: ساعت خوابگاه ما ۹ شب بود، بعد از ۹ شب شروع می‌کردند به حضور و غیاب. کمک‌سرپرست‌ها در هر اتاق تک به تک حضور و غیاب می‌کردند و آنهایی که غایب بودند به خانواده‌شان زنگ می‌زدند که آیا خبر دارید یا ندارید که دخترتان به خوابگاه نیامده. فرقی هم ندارد ترم اول کارشناسی باشی یا ترم آخر دکتری. ۵ساله باشی و شوهر و بچه داشته باشی، در هر صورت اطلاع می‌دادند. یکی از دانشجویان دکتری که دوست بودیم، حدود ۳۳ سال‌ه بود و زمانی که دیر می‌آمد به خانواده‌اش زنگ می‌زدند. این موضوع واقعا برای او ناراحت‌کننده بود و شرایط رفتن از خوابگاه را هم نداشت. اگر دیر به خوابگاه برمی‌گشتیم درحد قفل بودن. باید به نگهبان توضیح می‌دادیم که چرا بودیم و در دفتر می‌نوشتیم و امضا می‌کردیم. آن‌هم با کلی تهدید که اگر بیشتر شود قلان اتفاق می‌افتد و اگر از تعدادی هم بیشتر می‌شد از خوابگاه اخراج می‌شدی. بعد از رفتن به داخل باید به سرپرست خوابگاه توضیح می‌دادی کجا بودی و بعد هم به اتاق می‌رفتی تازه باید به خانواده می‌گفتی که جرا دیر رسیدی. خانواده‌ای که دیدی از زندگی در تهران و ترافیک آن ندارند. آنها نگران می‌شدند و باید توضیح می‌دادی مثلا مترو خراب شده بود و ۱۰ دقیقه دیر رسیدم. برای من پیش آمده بود که در ساعت حضور و غیاب خواب بودم و با خانواده‌ام تماس گرفتند و باعث نگرانی آنها شدند؛ وقتی گفتم من حضور داشتم و چرا با خانواده‌ام تماس گرفتید، گفتند نباید در این ساعت می‌خوابیدی و باید اطلاع می‌دادی. این‌طور هم نبود که خانواده از قبل اطلاع بدهند که دختر ما یک ساعت دیر می‌آید و او را قبول کنید و آنها بپذیرند. مسئولان خوابگاه بلافرجه ایرادشان را می‌گرفتند. این در حالی بود که پسرها تا ۱۲ ساعت می‌توانستند بیرون باشند و اگر هم برنمی‌گشتند، به خانواده‌شان اطلاع نمی‌دادند. این تبعیض بزرگی بود که همیشه با آن درگیر بودیم. رفتار بالا به پایینی داشتند و در همه زندگی ما دخالت می‌کردند.

دختر دیگری از خوابگاه‌های همین دانشگاه، درباره ساعات ورود و خروج می‌گوید: آخرین ساعت ورود به خوابگاه دختران ۹:۳۰ است که علی‌رغم اعتراضات و نارضایتی‌های فراوان دانشجوها با افزایش ساعت موافقت شد. این در حالی است که خوابگاه پسران تا ساعت